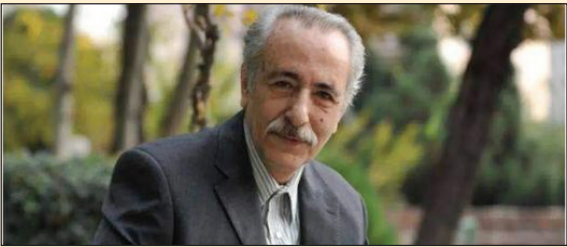


به‌روایت اندیشمندان

آبروداری برای فرهنگ ما



استاد بهاء‌الدین خر مشاهی

شاگرد علامه

آغاز آشنایی من با د کتر محقق، سال ۱۳۴۳ بود که دروس دانشگاهی و حوزوی را نزد وی فرامی گرفتم. د کتر محقق با سفر های علمی و حضور و عضویت در مجامع علمی معتبر جهان برای فرهنگ اسلامی و ایرانی این سرزمین در جهان آبروداری می کند. آغاز آشنایی من با د کتر محقق سال ۱۳۴۳ بود که دروس دانشگاهی و حوزوی را نزد وی فرامی گرفتم. او در زبان و ادبیات عربی و فارسی استادی بی‌بدیل است و توانایی نوشتن و سخن گفتن به زبان انگلیسی را نیز دارد. همچنین سخنرانی‌های مهمی در مجامع علمی معتبر جهان انجام داده‌است. د کتر محقق در ۴۰ سازمان علمی، ادبی و زبانی و حتی مرتبط با طب اسلامی فعالیت کرده است. بی‌تردید او بزرگ‌ترین دانشمند ایرانی در زمینه تاریخ طب اسلامی و ایرانی است.

ذاتاً معلم است



استاد کامران فانی

شاگرد علامه

سال ۱۳۴۳ به همراه بهاء‌الدین خر مشاهی از رشته پزشکی به ادبیات فارسی تغییر رشته دادیم و در در س عربی د کتر محقق حاضر شدیم. از همان آغاز متوجه شدیم که او ذاتاً معلم است، چرا که با شور و شیفنگی بسیار و شیوه‌ای بدیع تدریس می کرد. د کتر محقق مدتی رئیس بخش نسخ خطی کتابخانه ملی بود و اولین فهرست نسخ خطی این کتابخانه را تهیه کرد که بعدها با همکاری سیدعبدا... انوار این فهرست کامل شد. د کتر محقق علاوه بر دروس دانشگاهی، دروس حوزوی را نیز در مدارس سپهسالار و مروی خواند. بنابر این، هم در معارف گذشته و هم در علم معاصر و جدید، از دانشی گسترده بر خور دار است. افرادی که گستره مطالعاتی و وسیعی دارند، معمولاً دانش عمیقی ندارند، اما د کتر محقق در این زمینه یک استثناست که همزمان در زمینه تاریخ پزشکی اسلامی، ادبیات فارسی و عربی، کلام، فقه و فلسفه صاحب نظر است.

یک دانشمند منزوی نیست

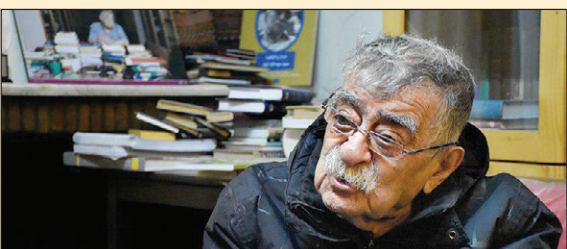


دکتر غلامعلی حداد عادل

رئیس فرهنگستان زبان و ادب فارسی

باید ارجمندی د کتر را در این دانست که در هجوم تجدد، نسل دانشگاهی را با معارف آشنا کرد. بعضی هادر حوزه‌ها درس خوانده بودند ولی وقتی به دانشگاه آمدند دیگر پشت سر خود را نگاه نکردند، اما امثال محقق چنین نبودند. نکته‌ای که در کار او قابل توجه است، تنوع کار های علمی اوست؛ از تدریس ادبیات عرب و تالیف کتاب‌های عربی گرفته تا کار های قرآنی، انواع کار های کلامی و ... د کتر محقق به تاریخ علم و طب اسلامی هم علاقه‌مند بوده و توجه وسیع داشته اند، طیف وسیع آثار استاد محقق تصحیح کتاب‌های طب اسلامی است و از این نظر به عنوان مرجع شناخته می شوند. او یک دانشمند منزوی نبوده است که خود را در اتاقی محبوس کند. او همراهِ بی قرار و فعال در عرصه تأسیس موسسات علمی بوده است. با استادان عربی حشرو نشرو یادی داشته است؛ استادانی که جزو مشاهیر خاور شناسی بوده‌اند. یکی از خصوصیات مهم او تشویق جوانان است.

یار دیرینه‌اش کتاب است



استاد سید عبدا... انوار

نسخه‌شناس برجسته و دوست علامه

امروز او در جلسه بزرگداشت د کتر مهدی محقق [برای آنان که با ر سائل افلاطون آشنایی دارند، این مجلس عالی درست مفاد ر ساله «ضیافت» افلاطون را تداعی می کند، اما با این فرق که در آن «ضیافت»، هدف تجلیل از آگتو ن بود ولی اهمیت سقر ا ت آن مجلس را به آن جار ساند که در رساله «ضیافت» افلاطون، هر چه آمده از سقر ا است نه آگتو ن، اما در این مجلس، همه صحبت‌ها در باره استاد محقق است. آشنایی من و استاد محقق به ۶۳ سال پیش بازمی گردد که هر دو، پا در دشت جنون گذاشته بودیم؛ مراد از دشت جنون همان حیرت است. در تمام منازل سلوک، ایشان هر گز از یار دیرینه خود، یعنی کتاب جدا نشدند. امید آن که دوران بگذرد و ایشان با جوانی همواره، ساقی فرهنگ و کتاب باشند.

بازخوانی برش‌هایی از زندگی منحصر به فرد پروفیسور مهدی محقق که در آستانه ۹۳ سالگی است

سلوک استادِ استادان

از مشهد تا مک‌گیل کانادا

جواد نوائیان رودسری - از آن روزها ۹۳ سالی می‌گذرد، حالا چند ماه این‌وَرتر یا آن‌وَرتر، فرقی نمی‌کند؛ وقتی آن نوزاد در دهم بهمن سال ۱۳۰۸ در محله چهارباغ‌بالا، بخشی از محله بزرگ بالاخیابان مشهد و در خانه مرحوم شیخ عباسعلی محقق واعظ خراسانی به دنیا آمد، همه شاد و خوشحال بودند؛ اصلاً برای پدر اهل علم و مادر باایمانش، خدیجه خانم، رنگ و شکل کوچه «پنجه» هم عوض شد. کوچه پنجه را شاید امروز، خیلی از مشهدی‌ها نشناسند، شاید قیافه‌اش کمی تغییر کرده باشد، اما هنوز هم اگر گذر تان به چهارراه خسروی ببفتد و راه ببفتد به سمت چهارراه نادری، اولین کوچه سمت راست شما، کوچه «شوکت‌الدوله» است، همان کوچه‌ای که اگر حوصله کنید و وارد آن شوید، در اولین گذر سمت چپش، می‌رسد به کوچه «پنجه»، همان جایی که روزی روزگاری، کودکی به دنیا آمد که بعدها علامه شد، استادی شد برای همه استادان و نامش را به عنوان یک دانشمند گرانمایه در سراسر جهان به زبان آورد و می‌آورد. همان کوچه‌ای که محل تولد علامه ارجمند استاد مهدی محقق است؛ هم‌او که چند ماه دیگر، وارد مرحله ۹۳ سالگی زندگی می‌شود و افتخاری است برای مشهد، برای ایران و برای همه جهان اسلام.

■ **آن کودکی پرماجرا**

علامه محقق، دوران طفولیت خود را در همان محله اصیل و قدیمی مشهد گذراند. فقط شش سال داشت که آن اتفاق افتاد؛ مردم جمع شدند در مسجد گوهرشاد و به بازداشت مرجع تقلیدشان، به‌رفتارهای ضد دینی و ضدملی رضا شاه و ماجرای تغییر لباس و کلاه اعتراض کردند. به تدریج کار بالا گرفت و در ۲۱ تیر ۱۳۱۰، عُمال پهلوی، همه متحصنان را به گلوله بستند و در خانه خدا، جوی خون به‌راه انداختند و در روزهای بعد، شروع کردند به بازداشت و تبعید روحانیون و علما. شیخ عباسعلی محقق از جمله روحانیون تحت تعقیب حکومت بود؛ عالمی که در جریان قیام، بر فراز منبر مسجد گوهرشاد برای مردم سخنرانی کرد. علامه محقق آن ماجرا را چنین به یاد می‌آورد: «هنوز صدای صغیر گلوله‌هایی که در شب واقعه شلیک می‌شد در گوشم طنین انداز است، به خصوص که این واقعه مصادف شد با پنهانی زیستن پدرم، زیرا او نیز در آن شب، در همان مسجد، منبر رفته بود و در ضمن سخنانش گفته بود: گویی ما زیر پرچم انگلیس هستیم که هر چه آنان بخواهند باید انجام دهیم. پس از واقعه گوهر شاد دیگر خانه امن نبود. نیمه‌های شب، پلیس ناگهان وارد منزل شده همه‌جا را برای یافتن پدر جست‌وجو کرد. پدر در دخمه‌ای تاریک پنهان شده بود و مادر هر بار از ترس می‌لرزید که مبادا شیخ عباسعلی را در چنین وضعیتی گرفتار کنند. آن شرایط قابل تحمل و ادامه نبود؛ شیخ عباسعلی محقق خودش را به شهربانی معرفی کرد تا خانواده‌اش از آزار مصون بمانند. او را فرستاد به حبس، در زندان قصر تهران و بعد از سه سال و چند ماه، آزادش کردند. شیخ عباسعلی تصمیم گرفت در تهران بماند و این گونه شد که علامه محقق، هنوز به ۱۰ سالگی نرسیده بود، مشهد را ترک کرد؛ شهری را که محل تولد و آغاز آموختنش بود. کلاس اول را در دبستان علمیه با مدیریت مرحوم علمی و کلاس دوم را در مدرسه معرفت، با مدیریت مرحوم شیخ مهدی ناظم گذراند که ارادتی فراوان به ثامن الحجج (ع) داشت. علامه محقق بعدها باز هم گذرش به مشهد افتاد. او دورانی را نزد مرحوم ادیب نیشابوری به فراگیری صرف و نحو عربی پرداخت و آن طور که به پایگاه اجتهاد گفته است، این فراگیری چیزی حدود یک سال طول کشید و در همین دوران، دوستان خوبی پیدا کرد.

■ **فرور یختن کاخ آرزوها**

خانواده شیخ عباسعلی محقق، به دلایل سابقه‌مبارزاتی او، مشکلات زیادی داشت. علامه کلاس سوم را در مدرسه فرهنگ، جایی حوالی چهارراه سیروس تهران و سه سال آخر ابتدایی را در مدرسه عسجدی، جایی در گلوبندک گذراند و در سال ۱۳۲۱، با به دبیرستان گذاشت، اما باز هم مشکلات معیشتی او و خانواده را رها نمی‌کرد. این بود که تصمیم گرفت، برای مدتی هم که شده، در بازار شاگردی کند و کمک خرج خانواده باشد؛ اما تقدیر برایش چیز دیگری رقم زده بود. علامه خیلی اتفاقی از مدرسه مروی سر در آورد و شد شاگرد سیدهای ورامینی که به‌او، صرف و نحو درس می‌داد. چهار ماه بعد، علامه مهدی محقق، آن قدر در صرف و نحو عربی پیشرفت کرده بود که استاد، توانایی وی را به رخ پدرش بکشد: «استاد شروع به خواندن قرآن کرد و از من خواست نوع کلمات را از نظر صرف و حالت آن‌ها مشخص کنم. من بی درنگ پاسخ می‌دادم و پدر می‌نگریست. این نخستین بار بود که طعم شیرین موفقیت در علم‌رانی چشیدم، اما مگر گناگهانی استاد در او را زان، کاخ آرزوهای مرا فرو ریخت و چند شب متوالی در سوگ این مصیبت گریستم».



علامه محقق همراه با همسرش دکتر نوش‌آفرین انصاری

■ **قم، حوزه، اجتهاد**

با درگذشت سیدهای ورامینی، به دنبال فضای جدیدی برای کسب علم گشت و این بار، در سال ۱۳۲۶ ش به قم رفت تا در مدرسه فیضیه، بخت خود را برای علم‌آموزی بیازماید. پیش از آن، در سال ۱۳۲۳ ش معمم شده بود؛ علامه محقق مقدمات و برخی درس‌های دوره عالی را در مدارسی مانند سپهسالار تهران گذراند. مدرسه فیضیه برای وی فرصتی مغتنم بود؛ فضای جدید، استادانی متفاوت و درس‌های جذابی که برای علامه کشش و علاقه بسیاری ایجاد کرد. سال ۱۳۲۷ ش تصمیم گرفت در آزمون ورودی دانشکده علوم معقول و منقول تهران که حالا آن را بانام دانشکده الهیات می‌شناسند، شرکت کند و به دلیل توانایی علمی‌اش پذیرفته شد. دو سال بعد با مشورت پدرش و مرحوم حسینیعلی راشد، از کسوت روحانیت بیرون آمد تا فعالیت‌های پژوهشی خود را در دانشگاه راحت‌تر ادامه دهد، اما از تحصیل درس‌های حوزه علمیه هم غافل نبود و در سال ۱۳۳۰ ش به دره اجتهاد رسید. اجازه اجتهادش را از آیت‌ا... العظمی خوانساری گرفت و البته، این تنها اجازه علامه نبود؛ بزرگان دیگری هم مانند مرحوم کاشف‌الغطا، پای اجازه‌هاور اهر کردند.

■ **همان قدر که خواندی بس است!**

علامه لیسانس را که گرفت، برای تأمین معاش به تدریس رو آورد. آیت‌ا... سید ابوالقاسم کاشانی پا پدر علامه رفاقتی داشت و توصیه کرد او را در آموزش و پرورش استخدام کنند. علامه محقق در این باره می‌گوید: «برونده استخدامی من در آموزش و پرورش با توصیه آیت‌ا... کاشانی که دوست پدر من بود، امضا و تأیید شد. ایشان یک‌بار به من گفتند: چه کار می‌کنی؟ گفتم حضرت آیت‌ا...، درس می‌خوانم. گفت: همان مقدار که خواندی بس است! برو بچه مسلمان‌ها را در مدرسه درس بده... در سال ۱۳۳۰ در دبیرستان ابومسلم در خیابان ابوسعید استخدام شدم و ادبیات فارسی و عربی درس می‌دادم. همان زمان سید جعفر شهیدی هم در همان جا استخدام شد و خیلی دوران خوبی بود.» علامه محقق در آن زمان دوستان دانشمند بسیاری پیدا کرد، اما جایگاه آیت‌ا... مرتضی مطهری در بین آن‌ها خاص بود.

■ **دوستی با شهید مطهری**

علامه، طبق گفته خودش در مراسم سخنرانی سالروز شهادت استاد مطهری در پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات اسلامی (سال ۱۳۹۵)، شهید مطهری را از سال ۱۳۲۴ ش می‌شناخت. این ارتباط در دهه ۱۳۳۰ ش افزایش یافت. علامه می‌گوید: «در سال‌های ۱۳۳۱ که آقای مطهری به تهران هجرت کرده بودند، من ایشان را می‌شناختم. در تهران مشکلات زیاد



دهه ۱۳۴۰ - از راست: محمد امین ریاحی، مهدی محقق، مجتبی مینوی، حبیب یغمایی، اصغر مهدوی، سید جعفر شهیدی

اندیشه



در این باره می‌گوید: «[این جلسه، در] ۲۰ سالی که چهار شنبه‌ها خدمت مرحوم مطهری بودیم، در همان مدرسه سپهسالار و در دفتر آقای احمد راد برگزار می‌شد، در باستان صفای خاصی داشت آن محیط. آقای راد چون فرهنگی بودند، همکاران فرهنگی‌شان هم به این جلسه ملحق می‌شدند؛ از جمله احمد آرام، علی محمد عامری و از میان افراد مدرسه آقای راشد، مرحوم شیخ کاظم عصار و حدود ۲۰ نفر می‌شدند. مرحوم جعفر شهیدی، مرحوم نورانی و مرحوم محیط طباطبایی هم بودند. جلسه‌ای بود که شیخ محمدعلی حکیم، استاد عرفان، عبدالحسین زرین کوب و مرحوم معین نیز به صورت مرتب می‌آمدند و جلسه تعطیل نمی‌شد. مرحوم شهید مطهری هم بودند. حال‌انصور کنید چه مجلس جامعی بود که فقیه داشت، فیلسوف داشت، ادیب داشت و در باره مسائل مختلف بحث می‌شد. این که هر کسی چه دیده، چه خوانده، چه کتاب‌هایی چاپ شده، چه مقالاتی نوشته شده، در حقیقت یک آکادمی محسوب می‌شد. مرحوم شهید مطهری از من خواسته بودند برخی از دانشمندان خارجی را که از تهران می‌گذرند یا در تهران هستند، با این جمع آشنا کنم و اصرار داشتند با فیلسوفان و اندیشمندان دیگر کشور‌ها آشنا شوند. اصرارشان برای این بود که فکرشان توسعه پیدا کند. چند نفر از فیلسوف‌های بزرگ را از جمله پرفسور پانیکار فیلسوف بزرگ هندی، به آن مجلس آوردیم. دو یا سه مرتبه هم مرحوم پروفیسور ایزوتسورا آوردیم که مدتی در تهران بود. مرحوم مطهری خیلی علاقه‌مند بود که ایزوتسورا ببیند. بنابر این، ایشان را دعوت کردم به مدرسه سپهسالار و چند جلسه‌ای با هم بحث کردند. ایزوتسو علاوه بر شهید مطهری، با مرحوم آشیخ حکیمی و جعفر شهیدی و دکتر احمد مهدوی دامغانی نیز گفت‌وگو کرد. پس از یکی از این جلسات، از ایزوتسو نظرش را در باره جلسه پرسیدم و گفت: این جلسه، معنوی‌ترین جلسه‌ای بود که در عمر خود دیده‌ام. [بعد از انقلاب] یک بار هم آقای خدیوالمجمع گفت: آسید علی خامنه‌ای، امام جمعه تهران وصف این جلسه را شنیده‌اند و دوست دارند شرکت کنند. در یکی از جلسات، مقام معظم‌ره بری هم شرکت کردند و فرمودند: عجب جلسه خوبی است! احیف که زمانی با این جلسه آشنا شدیم که گرفتار مسائل مملکتی و دولتی شده‌ایم.»

■ **معلمی، پژوهش و دیگر هیچ!**

استاد ارجمند، علامه مهدی محقق، عمری را به تدریس و تحقیق و نگارش گذرانده است. معلمی شغل مورد علاقه اوست؛ خودش در مصاحبه‌ای با خبرگزاری مهر می‌گوید: «من دوست دارم همواره مرا به عنوان یک معلم بشناسند، چنان که از سال ۱۳۳۰ یا در مدرسه یا در دانشگاه معلم بوده‌ام و همین الان هم مشغول تدریس هستم.» علامه محقق، در هفت دهه فعالیت علمی خود، شاگردان زیادی را پرورش داده‌است که امروزه، بسیاری از آن‌ها استادان بنامی در سطح ملی و بین‌المللی هستند؛ نام‌های آشنایی مانند بهاء‌الدین خر مشاهی، استاد کامران فانی، حجت‌الاسلام دکتر احمد احمدی، دکتر قدهعلی سرامی، دکتر محمد جعفر یاحقی، دکتر حسن انوری و استاد علی موسوی گرمارودی. علامه محقق مدت‌هاست که چهره‌ای بین‌المللی است و در بسیاری از مجامع علمی دنیا عضویت دارد؛ مجامعی مانند «مجمع بین‌المللی تاریخ پزشکی در لندن»، «مجمع بین‌المللی فلسفه در قرون وسطی در مادرید»، «فرهنگستان زبان عرب مصر»، «فرهنگستان علوم اسلامی هند»، «فرهنگستان زبان عرب دمشق»، «فرهنگستان مباحث علوم و تمدن اسلامی اردن»، «مجمع بین‌المللی تاریخ علم و فلسفه عربی و اسلامی در پاریس» و ... از او تاکنون آثار متعدد علمی و تحقیقاتی، در قالب تألیف و ترجمه، انتشار یافته است. علامه، علاوه بر درج مقالات متعدد در مجلات معتبر بین‌المللی، راهنمایی صدها پایان‌نامه در مقطع کارشناسی ارشد و دکترا را هم بر عهده داشته است. از میان آثار پر شمار او می‌توان به «جوهر قرآن» (مقدمه و تصحیح و تعلیقات)، «اشتر نامه عصار» (تصحیح و مقدمه و تعلیقات)، «تحلیل اشعار ناصر خسرو»، «نظام‌نامه سیاست خواجه نظام‌الملک طوسی» (تصحیح و تعلیقات) «شرح بزرگ دیوان ناصر خسرو» (در دو جلد)، «فیلسوفی، محمدبن زکریای رازی»، «الشکوک علی جالیبوس» (با تصحیح و مقدمه عربی، انگلیسی و فارسی)، «بستان اطباء و روضه الالباب ابن مطران» (ترجمه و تلخیص)، «درآمدی بر دانش‌نامه پزشکی در اسلام و ایران» (فهرست القبرایی اصطلاحات پزشکی و داروشناسی)، «اسماعیلیه»، «اوائل المقالات فی المذهب و المختارات شیخ مفید»، «علوم محضه از آغاز صفویه تا تأسیس دارالفنون»، «مفاخر نامه او» (شعبه بزرگ و عمری در آرزو و نام باسلامات در گاه‌خاوندندان مستثلت از یم.